

Application of cultural intelligence in Arabic language teaching Case Study:

Qom Secondary Arabic Secretaries

pouran rezaei choshal^١ , ali khaleghi^٢ 

^١Choshali, Department of Arabic language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran
(Corresponding Author). p.rezaie@cfu.ac.ir

^٢Assistant professor in Department of Arabic Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran. a.khaleghi@cfu.ac.ir


Abstract

Cultural intelligence as one of the types of intelligence is based on a deep understanding of human cultural values, beliefs and behaviors and has three main components of metacognitive, cognitive, motivational, and behavioral. This type of intelligence is reinforced in linguistic communication between different languages. The learning process of the "Arabic language of the Qur'an" is mainly formed under the guidance of the teachers and leads to the desired results when students are in a dynamic, interactive and meaningful environment, In the first and second high school curriculum, Arabic teachers play a very effective role in teaching and learning and if they have a high level of cultural intelligence, they will be able to provide good opportunities for practicing and enhancing students' language skills. This study examines the amount of cultural intelligence of the Arabic teachers and its impact on success in teaching. The statistical population of the study consisted of the first and second high school teachers in Qom who responded to the designed questionnaire. The sampling method is targeted and based on specific criteria. According to the results of the study, the level of cultural intelligence of Arabic teachers is significantly

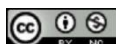
above the average, which has a positive effect on the quality of second or foreign language teaching. In addition, the teachers have reinforced their knowledge and language skills using the media content of the Arab world, the study of the works of Arab -speaking scholars and the use of religious cultural commonalities. These measures generally enhance their educational capabilities and provide more opportunities for meaningful learning.

Keywords: Assessment, Cultural Intelligence, Language Culture Language Teaching, Arabic Learning, Arabic Lesson.

Date Received: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲ Revision date: ۱۴۰۴-۰۶-۲۷ Date of admission: ۱۴۰۴-۱۰-۲۹ Online publication date: ۱۴۰۵-۰۱-۱۵

Citation of this article: rezaei choshal,pouran; Khaleghi, ali (۱۴۰۵) Application of cultural intelligence in Arabic language teaching Case Study: Qom Secondary Arabic Secretaries. *Research in Arabic language and literature education*, ۸(۱), pp. ۱۴۱-۱۵۹. 

Publisher: Farhangian University © the authors <https://amozesharabi.cfu.ac.ir> Article type: Research Article



فاعلية الذكاء الثقافي في تعليم اللغة العربية: معلمي اللغة العربية للمرحلة المتوسطة بمدينة قم أنموذجاً

پوران رضائی چوشلی^١ ID، علی خالقی^٢ ID

^١ استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

p.rezaie@cfu.ac.ir

^٢ استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.khaleghi@cfu.ac.ir

الملخص

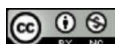
يُعدّ الذكاء الثقافي أحد أنواع الذكاء القائم على الفهم العميق للقيم والمعتقدات والسلوكيات الثقافية المختلفة للبشر، ويتكون من أربعة مكونات رئيسية هي: ما وراء المعرفة، والمعرفي، والتحفيزي، والسلوكي. يتفوق هذا النوع من الذكاء من خلال التفاعلات اللغوية بين اللغات المختلفة. تتم عملية تعلم مادة "اللغة العربية لغة القرآن" بشكل أساسي تحت إشراف المعلمين، وتؤدي إلى نتائج مرغوبة عندما يكون الطلاب في بيئة حيوية وتفاعلية وذات مغزى. في المناهج الدراسية للمرحلة المتوسطة والأخيرة، يلعب معلمو اللغة العربية دوراً فعالاً جداً في عملية التعليم والتعلم، وإذا كانوا يتمتعون بمستوى عالٍ من الذكاء الثقافي، فسيكونون قادرين على توفير فرص مناسبة لتدريب وتقوية المهارات اللغوية للطلاب. تناولت هذه الدراسة قياس مستوى الذكاء الثقافي لدى معلمي مادة اللغة العربية وتأثيره على نجاحهم في التدريس. شملت العينة الإحصائية للدراسة ٥٣ معلماً في المرحلتين المتوسطة والأخيرة بمدينة قم، وقد قاموا بالإجابة على استبيان مصمم لهذا الغرض. تم استخدام طريقة أخذ العينات الهادفة بناءً على معايير محددة. استناداً إلى نتائج البحث، تبين أن مستوى الذكاء الثقافي لدى معلمي اللغة العربية أعلى بكثير من المتوسط المقدر، مما يدل على تأثير إيجابي على جودة تدريس لغة ثانية أو أجنبية. في دراسة الذكاء الثقافي لمعلمي اللغة العربية، وُجد أن عاملي التكيف الثقافي والمعرفة اللغوية قد حصلوا على أعلى متوسط. أما المتغيرات الأخرى، مثل المعرفة الثقافية والفهم الثقافي والتفاعلات الاجتماعية، فكان لها دور متساوٍ تقريباً في تشكيل الذكاء الثقافي لدى المعلمين. لهذا السبب، من بين أبعاد الذكاء الثقافي، يمتلك عاملا التكيف الثقافي والمعرفة اللغوية متوسطاً أعلى.

الكلمات المفتاحية: التقييم، الذكاء الثقافي، تعليم اللغة، معلم اللغة العربية، قم.

تاريخ الاستلام: ١٤٠٤-٠٣-١٢ تاريخ المراجعة: ١٤٠٤-٠٦-٢٧ تاريخ القبول: ١٤٠٤-١٠-٢٩ تاريخ النشر على الإنترنت: ١٤٠٥-٠١-١٥

المقال مستند إلى: رضائی چوشلی، پوران ؛ خالقی ، علی (١٤٠٥) تحليل محتوى كتب اللغة العربية في المرحلة الثانوية الثانية لفرع العلوم الإنسانية و مدى عرض عناصر ثقافة اللغة العربية بناءً على نظريات التوطين، بحوث في تعليم اللغة العربية و آدابها، ٨(١)، ص ١٤١-١٥٩. <http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir> © المؤلفون

نوع المقال: مقال بحثي



کارکرد هوش فرهنگی در آموزش زبان عربی مورد مطالعه: دبیران عربی مقطع متوسطه شهر قم

پوران رضائی چوشلی^۱، علی خالقی^۲

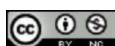
استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) p.rezaie@cfu.ac.ir
استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.khaleghi@cfu.ac.ir

چکیده

هوش فرهنگی به عنوان یکی از انواع هوش بر مبنای درک عمیق از ارزش‌ها، باورها و رفتارهای متفاوت فرهنگی انسان‌ها استوار است و دارای سه مؤلفه اصلی ۱- فراشناختی، ۲- شناختی، ۳- انگیزشی و رفتاری است. این نوع از هوش در ارتباطات زبانی میان زبان‌های مختلف تقویت می‌گردد. فرآیند یادگیری درس «عربی زبان قرآن» عمدتاً تحت هدایت دبیران شکل می‌گیرد و زمانی به نتایج مطلوب منجر می‌شود که دانش‌آموزان در محیطی پویا، تعاملی و معنادار قرار داشته باشند، در برنامه درسی مقاطع متوسطه اول و دوم، دبیران عربی در روند تدریس و یادگیری نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کنند و اگر از سطح بالایی از هوش فرهنگی برخوردار باشند، قادر خواهند بود فرصت‌های مناسبی برای تمرین و تقویت مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان فراهم کنند. این پژوهش به بررسی میزان هوش فرهنگی دبیران درس عربی و تأثیر آن بر موفقیت در تدریس پرداخته است. جامعه آماری تحقیق شامل ۵۳ دبیر مقطع متوسطه اول و دوم شهر قم بوده که به پرسشنامه طراحی شده پاسخ داده‌اند. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای مشخص انجام شده است. بر اساس نتایج پژوهش، سطح هوش فرهنگی دبیران عربی به شکل قابل توجهی بالاتر از میانگین ارزیابی شده که این امر تأثیر مثبتی بر کیفیت تدریس زبان دوم یا خارجی دارد، در بررسی هوش فرهنگی دبیران درس عربی، مشخص شد که عامل‌های سازگاری فرهنگی و دانش کلامی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. دیگر متغیرها شامل شناخت فرهنگی، دانش فرهنگی و تعاملات اجتماعی تقریباً به‌طور یکسان در شکل‌گیری هوش فرهنگی دبیران نقش دارند. به همین دلیل، از میان ابعاد هوش فرهنگی، عامل‌های سازگاری فرهنگی و دانش کلامی دارای میانگین بیشتری هستند.

واژگان کلیدی: سنجش، هوش فرهنگی، آموزش زبان، آموزشگر عربی، قم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴-۰۳-۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴-۰۶-۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۱۰-۲۹ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵-۰۱-۱۵
استناد به این مقاله: رضائی چوشلی، پوران؛ خالقی، علی (۱۴۰۵). کارکرد هوش فرهنگی در آموزش زبان عربی مورد مطالعه: دبیران عربی مقطع متوسطه شهر قم. پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب، ۱۸(۱)، ص ۱۴۱-۱۵۹. doi:10.22099/amoze.141-159
ناشر: دانشگاه فرهنگیان <http://https://amozesharabi.cfu.ac.ir> نوع مقاله: پژوهشی © نویسندگان



١. مقدمه

آموزش زبان دوم یا زبان خارجی به افرادی که در خارج از محیط جغرافیایی زبان موردنظر به یادگیری آن می‌پردازند، به سبب ارتباط عمیق میان زبان و فرهنگ، با چالش‌های منحصر به فردی روبه‌رو است. یکی از این چالش‌ها فقدان تعامل مستقیم با فرهنگ بومی و جامعه‌ای است که زبان در آن به کار گرفته می‌شود. این امر می‌تواند منجر به درک نادرست یا ناقص از اصطلاحات، عبارات و مفاهیم فرهنگی گردد که در زبان مورد نظر وجود دارد. همچنین، یادگیرندگان ممکن است با موانع زبانی مواجه شوند که به دلیل عدم دسترسی به منابع و مواقع واقعی یادگیری زبان، به وجود می‌آید. همچنین، نبود فرصت‌های واقعی برای مکالمه و ارتباط با افراد بومی می‌تواند بر توانایی شنیداری و گفتاری زبان‌آموزان تأثیر منفی بگذارد. در این راستا، استفاده از تکنولوژی و منابع آموزشی آنلاین می‌تواند به عنوان یک راه‌حل مؤثر شناخته شود، اما همچنان نمی‌تواند جایگزین تجربیات فرهنگی و اجتماعی واقعی شود. در نتیجه، برای موفقیت در یادگیری زبان دوم، ضرورت دارد که آموزش‌دهندگان و زبان‌آموزان به دنبال راهکارهایی باشند که این چالش‌ها را کاهش دهد و تجربه‌ی یادگیری را غنی‌تر کند. این امر می‌تواند شامل برگزاری کارگاه‌های فرهنگی، تبادل‌های زبانی و استفاده از رسانه‌های بومی باشد که به یادگیرندگان کمک می‌کند تا نه تنها زبان را بیاموزند، بلکه با فرهنگ و آداب و رسوم مرتبط با آن نیز آشنا شوند.

آموزش زبان بدون در نظر گرفتن فرهنگ زبانی به معنای فراهم کردن ابزاری برای یادگیرنده است که از کارکرد آن بی‌خبر است. به همین دلیل، مدرس زبان خارجی یا دوم باید در زمینه فرهنگ زبانی نیز دانش و آگاهی داشته باشد. هوش فرهنگی مدرس از طریق تعاملات زبانی و ارتباطات با گویشوران زبان تقویت می‌شود؛ لذا هوش فرهنگی به عنوان یک نوع توانایی پیچیده و چندبعدی، به فرد این امکان را می‌دهد که در مواجهه با موقعیت‌های فرهنگی گوناگون، نه تنها به درک بهتری از شرایط بپردازد، بلکه بتواند به شکلی مؤثر و فعال در تعاملات اجتماعی و حرفه‌ای خود نقش‌آفرینی نماید. این توانایی، شامل درک عمیق از ارزش‌ها، باورها و رفتارهای متفاوت فرهنگی است و بر اساس آن، فرد می‌تواند با بهره‌گیری از دانش و آگاهی خویش، تفاوت‌های فرهنگی را به درستی تشخیص دهد و به آن‌ها واکنش مناسبی نشان دهد.

هوش فرهنگی به عنوان یک ابزار مؤثر در کاهش تعارضات و سوء تفاهم‌های احتمالی در ارتباطات بین فرهنگی عمل می‌کند و به فرد این امکان را می‌دهد که با انعطاف‌پذیری بیشتری در مواجهه با چالش‌های ناشی از تنوع فرهنگی، پاسخگو باشد. این نوع هوش، نه تنها به توسعه روابط بین فردی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در محیط‌های کاری و سازمانی نیز منجر به بهبود همکاری و افزایش کارایی گروه‌ها شود. بدین ترتیب، افراد باهوش فرهنگی بالا، قادر هستند تا در دنیای جهانی‌شده امروز، با تنوع فرهنگی موجود به بهترین شکل ممکن سازگاری پیدا کنند و از فرصت‌های متنوعی که این تنوع به همراه دارد، بهره‌مند

شوند؛ بنابراین، ادعای اینکه یک مدرس تنها با تکیه بر دستور زبان و ترجمه می‌تواند مؤثر باشد، صحیح نیست. توجه به هوش فرهنگی و آشنایی با جنبه‌های فرهنگی زبان از طریق مشاهدات رسانه‌ای، مطالعه کتاب‌ها و دیگر روش‌ها ضروری است. این جنبه از هوش فرهنگی بر مهارت‌هایی متمرکز است که برای موفقیت در فرهنگ‌های ناآشنا حیاتی هستند (Ang, 2009: 200). پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه، به بررسی این موضوع می‌پردازد که مدرس زبان عربی در شهر قم تا چه اندازه به اهمیت هوش فرهنگی در آموزش زبان عربی آگاهی دارد؟

۱-۱. سوالات پژوهش

هوش فرهنگی چه جایگاهی در موفقیت مدرسان زبان عربی دارد؟

هوش فرهنگی آموزشگران زبان عربی در شهر قم به چه میزان است؟

۱-۲. فرضیه پژوهش

چنان‌که متصور است هوش فرهنگی می‌تواند سبب جذب فراگیران به زبان عربی گردد و برونداد آن موفقیت آموزشی دبیر خواهد بود

به نظر می‌رسد به دلیل نپرداختن به مقوله هوش فرهنگی، آموزشگر عربی در این حوزه با کاستی‌های اطلاعاتی مواجه باشد

۱-۳. هدف پژوهش

الف- بیان نقش هوش فرهنگی در موفقیت آموزشی دبیر زبان عربی

ب- پیمایش هوش فرهنگی دبیر درس عربی در مقطع متوسطه اول و دوم

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به اینکه آسان‌سازی آموزش زبان عربی یکی از دغدغه‌های آموزشگران است، توجه به هوش فرهنگی مدرسان می‌تواند عملکرد مدرسان را بهبود بخشد و سبب شود تا حدی از سختی فراگیری زبان عربی بکاهد.

۱-۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر روش پیمایشی استوار است و بر اساس ماهیت داده‌ها، کمی است، در طی فرآیند تحقیق پرسشنامه استانداردسازی شده، هوش فرهنگی آنگ (Ang) و همکاران توسط آموزشگران زبان عربی شهر قم تکمیل گردید.

١-٥-١. ابزار پژوهش

ا. پرسشنامه ٢٠ سؤالی (آنگ و همکاران ٢٠٠٩) درحوزه هوش فرهنگی طراحی شده است.

ب. نرم‌افزار کمی سنجش spss

١-٥-٢. جامعه آماری

٥٣ دبیر درس (عربی زبان قرآن) مقطع متوسطه اول و دوم شهر قم به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند.

١-٥-٣. روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری این پژوهش هدفمند و مبتنی بر تکنیک معیار است. معیار شرکت در این پژوهش برای ٥ سال سابقه تدریس و دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی است. علت در نظر گرفتن معیار مذکور این است که گاهی مشاهده می‌شود به دلیل کمبود نیروی انسانی، در اداره آموزش و پرورش دبیر درس عربی، مدرک تحصیلی غیر مرتبط دارد، پژوهشگر با در نظر گرفتن معیار مدرک تحصیلی تلاش کرد از دانش‌آموختگان رشته زبان و ادبیات عربی و زیرمجموعه‌های این رشته در پژوهش استفاده نماید.

١-٥-٦. پیشینه پژوهش

پژوهش در رابطه با بررسی میزان هوش فرهنگی دبیران زبان عربی اندک است و تحقیقات در این حوزه غنی نیست. نگارندگان موضوعاتی که به هوش فرهنگی مدرسان زبان اشاره داشته برای آشنایی خوانندگان معرفی می‌نمایند:

اسلامی (١٣٩٩) در پژوهش «هوش فرهنگی مدرسان آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان و متغیرهای پیش‌بینی کننده آن» با شیوه توصیفی- همبستگی و با تمرکز بر دو هدف، یعنی سنجش هوش فرهنگی مدرسان آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و شناسایی متغیرهای پیش‌بینی کننده آن انجام گرفته است. ٣٠ مدرس آموزش زبان فارسی مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. از نرم‌افزار اس پی اس استفاده

گردید. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که مدرسان آموزش زبان فارسی از هوش فرهنگی بالایی برخوردارند (نمره میانگین بالاتر از ۳). بیشترین نمره به مؤلفه‌ی انگیزشی (۴.۳۱) و کمترین نمره به مؤلفه شناختی (۳.۶۷) هوش فرهنگی اختصاص دارد. از بین متغیرهای پیش‌بینی کننده، پذیرا بودن برای یادگیری بین فرهنگی مهم‌ترین متغیر در پیش‌بینی هوش فرهنگی بوده است، بعدازآن به ترتیب اهمیت شناخت سایر فرهنگ‌ها تماس با مردم سایر فرهنگ‌ها و برقراری ارتباط به زبان خارجی قرار گرفته است. خواندن ادبیات خارجی (ادبیات سایر کشورها) کم‌اهمیت‌ترین متغیر در پیش‌بینی هوش فرهنگی بوده است.

خدادادیان و ابطحی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «هوش فرهنگی و یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در فارسی‌آموزان غیر ایرانی» به دنبال اندازه‌گیری هوش فرهنگی فارسی‌آموزان غیرایرانی در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) بودند بنابراین، به بررسی رابطه میان هوش فرهنگی زبان آموزان با پیشرفت تحصیلی آنان در چهار مهارت زبانی پرداختند. به همین منظور، ۱۲۴ نفر از زبان‌آموزان از میان ۲۶۰ زبان‌آموزی که به‌تازگی دوره پایه زبان فارسی را گذرانده بودند، به روش تصادفی به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش انتخاب گردیدند و سپس با اندازه‌گیری میزان هوش فرهنگی آنان از طریق پرسشنامه هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۹)، به تحلیل رابطه میان مؤلفه‌های چهارگانه فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری هوش فرهنگی با میزان پیشرفت تحصیلی زبان آموزان در قالب نمرات پایانی چهار مهارت زبانی آنان در مرکز آموزش زبان فارسی پرداخته شد، همچنین همبستگی میان هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن و مهارت‌های زبانی زبان‌آموزان برحسب جنسیت و سطح تحصیلات آزمودنی‌ها نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از این است که رابطه معناداری میان مهارت خواندن با هوش فرهنگی و دو مؤلفه رفتاری و فراشناختی آن، همچنین میان مهارت شنیدن با هوش فرهنگی و مؤلفه رفتاری آن وجود دارد. میان مهارت خواندن و معدل کل مهارت‌ها با هوش فرهنگی در گروه مردان آزمودنی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دو مهارت خواندن و شنیدن با هوش فرهنگی در گروه آزمودنی‌های فاقد تحصیلات دانشگاهی، دارای رابطه مثبت و معناداری هستند.

۲- چارچوب نظری

۲-۱. اهمیت آموزش زبان عربی

ساختارهای بدیع، فراوانی واژگان، پویایی پذیرش از دیگر زبان‌ها، تنوع در تعبیر و استواری در نظام زبانی از بارزترین صفات زبان عربی است. این زبان به‌عنوان زبان قرآن و میراث اسلامی نقطه وصل میان مسلمانان جهان است (یعقوبی و عبدی، ۱۴۰۱).

۱۹۰). قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف: ۲) و ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (طه: ۱۱۳) این آیات نشانگر این است که مسلمانان برای آشنایی با مفاهیم اسلامی و درک متون مقدس و شبه مقدس دین اسلام به فهم زبان عربی احتیاج دارند در هم آمیختن زبان فارسی و عربی نیز دلیل دیگری است که سبب شده است (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ۱۴۰۳: ص: ۵)، اصل ۱۶ قانون اساسی به الزام تدریس عربی پس از پایان دوران دبستان تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها اختصاص داده شده است (ملک افضل، ۱۳۹۱: ۲۷۳). از این رو شایسته است به بهترین شکل در مدارس آموزش داده شود تا فراگیران بدون سختی و با لذت بیشتری زبان وحی را فراگیرند.

۲-۲. فرهنگ زبانی

فرهنگ زبانی، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، افسانه‌ها و احکامی است که کاربران یک زبان در هنگام استفاده از زبان خود از آن تأثیر می‌پذیرند و زبان در انتقال این مفاهیم نقش اساسی دارد، از این رو برای فهم و انتقال هر متنی بایسته است از فرهنگ زبانی آن جامعه آگاهی کاملی داشته باشیم (داوری اردکانی، ۱۳۸۵: ۱۰۳)، نقش فرهنگ در ساختارهای زبانی نظیر کنایه، تشبیه، استعاره، مجاز و استعاره پررنگ‌تر جلوه‌گری می‌کند (فائز و حیدری، ۱۳۹۴: ۱۰۵). اگر زبان دوم یا خارجی را به افراد بیاموزیم اما از فرهنگ زبانی اطلاعاتی به آن‌ها داده نشود گویا فراگیر چتر بازی است که در سرزمینی فرود آمده که از فرهنگ آن موقعیت جغرافیایی اطلاعاتی ندارد و در کاربرد زبان آن منطقه با دشواری مواجه می‌گردد.

۲-۳. هوش فرهنگی

هوش فرهنگی (CQ) چشم‌اندازی جدید که روابط بین فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، واژه هوش فرهنگی ابتدا توسط «یرلی و لنگ» مطرح شد این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (نائیجی و علیزاده، ۱۳۸۶) هوش فرهنگی مهارتی اکتسابی است که توان فهم یک فرهنگ، یادگیری فزاینده در مورد آن و به‌تدریج، شکل‌دهی طرز فکر فرد برای سازش با آن فرهنگ را ایجاد می‌کند تا به هنگام برخورد با دیگر فرهنگ‌ها رفتار خود را بهتر با آن وفق دهد،

هوش فرهنگی بررسی می‌کند که چگونه فرد می‌تواند زمانی که در یک محیط بین فرهنگی (محیطی که از امکانات و مهارت‌های آن‌ها شناختی ندارد) خود را وفق دهد و پیشرفت کند. آنچه هوش فرهنگی را منحصر به فرد می‌کند این است که تمرکز آن بر مهارت‌هایی است که برای موفقیت افراد در فرهنگ‌های ناآشنا ضروری است (Earley & Ang, ۲۰۰۳)، این هوش سازه‌ی متراکم و دارای ابعاد مختلفی است، توماس (۲۰۰۶) در تعریف هوش فرهنگی بیان کرده است که سه رکن دانش،

هوشیاری و رفتار، هوش فرهنگی شخص را می‌سازند، عامل هوشیاری چون خط وصل و ربط عامل رفتار به عامل دانش است، اهمیت بیشتری دارد وی دانش را اطلاع درباره فرهنگ قلمداد می‌کند (Thomas ۲۰۰۶) برای آنکه شخصی را از لحاظ فرهنگی باهوش بدانیم، باید بتواند در موقعیت‌هایی متفاوت فرهنگی قضاوت درستی داشته باشد (طولابی و همکاران ۱۳۹۴).

۲-۳-۱. هوش فرهنگی مدرس زبان

هوش فرهنگی نوعی توانایی است که فرد را قادر می‌سازد در موقعیت‌های مختلف فرهنگی، نقش فعالی ایفا نماید. این نوع از هوش، توانایی‌های افراد را در رویارویی با جنبه‌های فرهنگی محیط، نشان می‌دهد (Alon, L. & Higgins, ۲۰۰۵) و انسان را قادر می‌سازد تا با بهره‌گیری از دانش و آگاهی، تفاوت‌های فرهنگی را تشخیص داده، به بروز رفتارهای مناسب در فرهنگ‌های متفاوت بپردازد (Triandis, ۲۰۰۶). هوش فرهنگی چنان‌که آنگ و همکاران (۲۰۰۹) معرفی نموده‌اند، از چهار مؤلفه فراشناختی، شناختی، انگیزی و رفتاری تشکیل شده است. به معرفی این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

بخش شناختی، شناخت فرهنگ‌های مختلف را شامل می‌شود، توانایی شناختی به دانش مدرس زبان در تشخیص تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف اشاره دارد، اطلاع مدرس از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، اعتقادات مذهبی و همچنین آگاهی از ساختار زبان‌ها و شیوه‌ی بیان رفتارهای غیر کلامی را در برمی‌گیرد.

مؤلفه فرا شناختی هوش فرهنگی، توانایی بروز رفتاری است که با موقعیت و انتظارات افراد در فرهنگ‌های متفاوت، هماهنگ باشد. نوعی به‌کارگیری دانش متناسب با موقعیت است، مدرسان زبانی از هوش فرهنگی بالا برخوردارند که به‌غیر از شناختن فرهنگ‌های بیگانه به حالت درونی و وضعیت بیرونی حاکم بر خود توجه داشته و بتوانند رفتاری متناسب با موقعیت‌هایی که شکل می‌گیرد، ارائه دهند. بخش فراشناختی، با راهبردهای شناختی به اکتساب و توسعه‌ی روش‌هایی برای کنار آمدن با تفاوت‌های فرهنگی منجر می‌شود.

و مؤلفه رفتاری که شامل فهرستی از رفتارهای مناسب فرهنگ مورد نظر است. به‌این ترتیب که شناخت مدرس زبان از فرهنگ زبان دوم یا خارجی، محدود به تجزیه و تحلیل اجزای آن فرهنگ نیست، بلکه رفتار فرد نشان از ورود آن فرهنگ در ذهن و روح او دارد و توانسته به دنیای کاربران آن فرهنگ وارد شده، مانند آن‌ها عمل کند.

لازمه اثرگذاری بر افراد در فرهنگ جدید را اعتماد به نفس و اعتقاد به خود در آن فرهنگ می‌داند؛ بنابراین، می‌توان این منبع را شامل خواسته‌ها، نیازها و اثر آن‌ها بر افراد فرهنگ دیگر دانست.

٣. یافته‌های پژوهش

داده‌های این مطالعه در دو بخش کمی و کیفی استخراج شده است. در بخش کمی هوش فرهنگی دبیران درس عربی از طریق پرسشنامه سنجیده شده است؛ این پرسشنامه شامل ٢٠ سؤال است که پاسخ‌های آن به شیوه طیف لیکرت به صورت هفت گزینه‌ای کاملاً مخالف (نمره یک) و کاملاً موافق (نمره ٧) تهیه شده است. به منظور توصیف داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) استفاده شده است.

هوش فرهنگی به سه طبقه تقسیم شده و میزان هوش فرهنگی دبیران براساس طبقات مشخص شده بدست آمده است. سپس با استفاده از آزمون کولموگراف اسمیرنوف توزیع نرمال داده‌ها ارزیابی شده و در ادامه با توجه به تک متغیره بودن پرسشنامه، آزمون t مستقل و مقایسه آن با میانگین نظری صورت گرفته است. در نهایت با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی، عامل‌های مقتضی در پنج عامل استخراج شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

الف) یافته‌های توصیفی

براساس جدول شماره یک میانگین هوش فرهنگی دبیران درس عربی مورد مطالعه ٩٦.٢٢ است. همچنین میزان انحراف معیار بدست آمده (١٩.٢٤) نشان می‌دهد که پراکندگی پاسخگویان از میانگین در سطح بالایی قرار دارد. جدول ١-١ نیز طبقه‌بندی هوش فرهنگی دبیران را نشان می‌دهد. دامنه طبقات مربوط به طبقه‌بندی هوش دبیران براساس جدول زیر با استفاده از میزان کمترین و بیشترین نمره بدست آمده و به سه طبقه پایین، متوسط و زیاد تقسیم شده است.

جدول شماره ١) شاخص توصیفی نمرات هوش فرهنگی دبیران درس عربی

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
هوش فرهنگی	٩٦.٢٢	٩٩	٨٠	١٩.٢٤	٥٠	١٤٠

براساس جدول ١-١ بیش از ٥٠ درصد پاسخگویان هوش فرهنگی متوسط و ٤٧.٢ درصد آن‌ها دارای هوش فرهنگی بالایی بودند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که اکثر پاسخگویان از هوش فرهنگی بالایی برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۱-۱) طبقه‌بندی هوش فرهنگی دبیران درس عربی

فرآوانی تجمعی	درصد فرآوانی	فرآوانی	طبقه‌بندی هوش فرهنگی
۱.۹	۱.۹	۱	کم
۵۲.۸	۵۰.۹	۲۷	متوسط
۱۰۰	۴۷.۲	۲۵	زیاد

ب) یافته‌های استنباطی

قبل از انجام هر آزمونی در پژوهش، محقق نیازمند این است از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل کند. در این مطالعه به‌منظور تعیین نرمال بودن داده‌های پژوهش از آزمون اسمیرنوف استفاده شده است. براساس یافته‌های جدول شماره ۲ و با توجه به اینکه $\text{sig} = .۲۰۰$ و بیشتر از سطح خطای در نظر گرفته شده است، بنابراین توزیع داده‌ها به‌صورت نرمال است.

جدول شماره ۲) آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	حد معناداری	Sig
هوش فرهنگی دبیران درس عربی	.۰۵	.۲۰۰

آزمون T تک نمونه‌ای

جدول شماره ۳ بیانگر آزمون t تک متغیره هوش فرهنگی دبیران درس عربی است. به همین منظور ابتدا میانگین مقیاس‌هایی که به واسطه آن‌ها هوش فرهنگی دبیران درس عربی سنجیده شده است با میانگین نظری آن‌ها مقایسه شده و سپس آزمون T تک نمونه‌ای برای آن مورد محاسبه قرار گرفته است. بر این اساس مفروضات زیر برقرار است:

فرض H_0 این است که بین میانگین ادراک شده هوش فرهنگی دبیران و میانگین نظری طیف مطالعه تفاوت معناداری وجود ندارد.

فرض H_1 این است که بین میانگین ادراک شده هوش فرهنگی دبیران و میانگین نظری طیف مطالعه تفاوت معناداری وجود دارد.

همانگونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود:

از آنجاکه $(\text{sig} = .۰۰۱)$ و با مقدار $t = ۶/۱۴$ می‌توان استدلال کرد که فرض H_0 رد شده و می‌توان استنتاج کرد که میزان هوش

فرهنگی دبیران درس عربی به طور معناداری بالاتر از میانگین نظری طیف است، به این معنی که هوش فرهنگی دبیران درس عربی بیشتر از حد متوسط است. دبیر درس عربی آموزشگر، فراگیرانی است که قرار است تبدیل به سخنگویان بین فرهنگی شوند یعنی در فضای فرهنگ زبان فارسی و عربی صحبت کنند، سخنگوی بین فرهنگی باید بتواند از طریق مقایسه، تفسیر و ارتباط اطلاعات به حل بدفهمی‌ها بپردازد؛ او باید اسناد و وقایع دیگر فرهنگ‌ها را تفسیر کند، توضیح دهد و با اسناد و وقایع فرهنگ خودش مرتبط سازد (Starkey, & Gribkova, & Byram, ۱۹۹۷: ۸) بنابراین دبیر درس عربی باید شناخت فرهنگی وسیعی از فضای زبان عربی داشته باشد.

جدول شماره ۳) آزمون t تک متغیره هوش فرهنگی دبیران درس عربی

مقیاس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین نظری	T	d.f	sig
هوش فرهنگی دبیران درس عربی	۵۳	۹۶.۲۲۶	۱۹.۲۴	۸۰	۶.۱۴	۵۲	.۰۰۱

تحلیل عامل اکتشافی

تحلیل عاملی به نوعی تکنیک آماری گفته می‌شود که در آن متغیرها به دسته‌های مختلف که آن را عامل می‌نامند تقسیم می‌شوند. در تحلیل عامل اکتشافی محقق هیچ مبنای قبلی برای دسته‌بندی متغیرها در عامل ندارد و نرم‌افزار SPSS تصمیم می‌گیرد سؤالات را در چه ابعادی قرار دهد. از آنجاکه در پرسشنامه حاضر نیز سؤالاتی که هوش فرهنگی دبیران درس عربی را می‌سنجند دسته‌بندی نشده بودند محقق با استفاده از تکنیک تحلیل عامل اکتشافی آن‌ها را در ۵ دسته (سازگاری فرهنگی، شناخت فرهنگی، دانش کلامی، تعاملات اجتماعی، دانش فرهنگی) به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است.

جدول شماره ۴) عامل‌های استخراج شده بر اساس تحلیل عامل اکتشافی

مطمئنم که فشارهای سازگاری با فرهنگ جدید عرب برای من قابل تحمل است.
مطمئنم می‌توانم که شرایط تجاری و خرید را در کشورهای عربی به کار گیرم.
من رفتار کلامی‌ام را وقتی که در تعامل فرهنگی به آن نیاز است تغییر می‌دهم.

عامل اول:	مطمئنم می‌توانم در فرهنگ عرب‌زبانان خودم را اجتماعی کنم.
سازگاری فرهنگی	قوانین (لغات، دستور زبان) عرب‌زبان‌ها را می‌شناسم.
عامل دوم:	در تعاملات بین فرهنگی ام با عرب‌زبانان از دانش فرهنگی که به کار می‌گیرم آگاهم.
شناخت فرهنگی	قوانین بیان (ابزار) رفتارهای غیرکلامی عرب‌زبانان را می‌شناسم. من هنرها و صنایع دستی عرب‌زبانان را می‌شناسم. من نظام ازدواج عرب‌زبانان را می‌شناسم.
عامل سوم	من مکث و سکوت را در موقعیت‌های بین فرهنگی متفاوت به کار می‌گیرم.
دانش کلامی	در صورت نیاز در تعاملات بین فرهنگی رفتار غیرکلامی ام را تغییر می‌دهم. وقتی که در یک موقعیت بین فرهنگی نیاز باشد نحوه صحبت کردنم را تغییر می‌دهم. در صورت نیاز هنگام صحبت کردن با افرادی از سایر فرهنگ‌ها، حالت‌های چهره‌ام را تغییر می‌دهم.
عامل چهارم	از تعامل با عرب‌زبانان لذت می‌برم.
تعاملات اجتماعی	من ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات مذهبی عرب‌زبان‌ها را می‌شناسم. من از زندگی در فرهنگ عربی لذت می‌برم.
عامل پنجم	نظام‌های حقوقی (قانونی) و اقتصادی عرب‌زبانان را می‌شناسم.
دانش فرهنگی	هنگام تعامل با عرب‌زبانان، صحت و درستی دانش فرهنگی ام را بررسی می‌کنم. وقتی در تعامل با عرب‌زبانان هستم به دانش فرهنگی آن‌ها آگاهی دارم.

براساس جدول شماره ۵- از بین عامل‌های استخراج شده از متغیر هوش فرهنگی دبیران درس عربی، عامل سازگاری فرهنگی و دانش کلامی بیشترین میانگین بدست آمده را به خود اختصاص داده‌اند و متغیرهای شناخت فرهنگی، دانش فرهنگی و

تعاملات اجتماعی تقریباً به یک اندازه هوش فرهنگی دبیران را تشکیل می‌دهند. براین اساس از بین ابعاد هوش فرهنگی عامل‌های سازگاری فرهنگی و دانش کلامی میانگین بیشتری در هوش فرهنگی دبیران درس عربی دارند. هم‌چنین مقایسه میانگین بدست آمده هرکدام از عامل‌ها با میانگین نظری آن‌ها حاکی از آن است که میانگین پاسخ پاسخگویان در هر یک از سطوح عامل‌های ذکر شده از میانگین نظری آن‌ها بیشتر است. بدین معنی که میانگین سازگاری فرهنگی، شناخت فرهنگی، دانش کلامی، تعاملات اجتماعی و دانش فرهنگی پاسخگویان از میانگین نظری و سطح مورد انتظار بیشتر است.

دبیران ایرانی، آمادگی اولیه آموزش بین فرهنگی را دارند و با توجه به اینکه دبیران در فرآیند آموزش، نقش میانجی را در ارتقای توانش بین فرهنگی زبان‌آموزان باید ایفا کنند (Ryan & Sercu, 2003) و تصویرسازی واقعی از فرهنگ کشورهای عربی به عهده آن‌هاست، از این رو شایسته است در گام اول، درک فرهنگی خود را از منظر توانش بین فرهنگی افزایش دهند.

جدول شماره ٥) شاخص توصیفی نمرات عامل‌های بدست آمده

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	میانگین نظری	کمترین نمره	بیشترین نمره
سازگاری فرهنگی	23.73	24	23	6.60	20	6	35
شناخت فرهنگی	16.20	16	20	5.96	16	4	28
دانش کلامی	21.16	22	24	4.19	16	9	28
دانش فرهنگی	15.22	16	17	3.93	12	3	21
تعاملات اجتماعی	15.15	16	16	3.98	12	4	21

در ادامه مباحث مربوط به تحلیل عامل اکتشافی، هرکدام از عامل‌ها براساس نمرات بیشینه و کمینه به سه دسته (کم، متوسط و زیاد) تقسیم شده‌اند.

جدول شماره ٦) طبقه‌بندی آمارهای استخراج شده

متغیر طبقه	کم	متوسط	زیاد
سازگاری فرهنگی	9.4	50.9	39.6

۳۵.۸	۳۷.۷	۲۶.۴	شناخت فرهنگی
۳۲.۱	۶۰.۴	۷.۵	دانش کلامی
۶۲.۲	۳۲.۱	۵.۷	دانش فرهنگی
۵۴.۷	۳۲.۷	۱۱.۳	تعاملات اجتماعی

همان‌طور که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد پاسخ پاسخ‌دهندگان در سطح عامل مربوط به شناخت فرهنگی در هر سه سطح به‌طور تقریبی به یک اندازه است. به عبارت بهتر در سایر عامل‌های استخراج شده پاسخ‌دهندگان در سطح متوسط و زیاد درصد بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند و میزان شناخت فرهنگی ایشان به نسبتی تقریباً برابر پراکنده شده است. هم‌چنین از بین عامل‌های مقتضی تعداد بیشتری از پاسخ‌دهندگان از دانش فرهنگی و تعاملات اجتماعی زیادی برخوردار بوده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

برای تدریس موفق زبان عربی، ضروری است که دبیران به جنبه‌های فرهنگی این زبان توجه ویژه‌ای داشته باشند. این رویکرد موجب می‌شود که دانش‌آموزان احساس نزدیکی بیشتری با زبان پیدا کنند و مقاومت کمتری در برابر یادگیری نشان دهند. دبیری که از هوش فرهنگی بالایی برخوردار باشد، توانایی خلق موقعیت‌های زبانی متنوعی را خواهد داشت که در آن‌ها دانش‌آموزان زبان عربی را در موقعیت‌های شبیه به واقعیت تجربه کنند. این فرایند یادگیری به‌گونه‌ای است که دانش‌آموز حس نمی‌کند یادگیری قواعد یا مهارت‌های گفتاری صرفاً به انباشتن اطلاعات بی‌فایده محدود می‌شود. او می‌بیند که این مهارت‌ها کاربردی بوده و می‌تواند در موقعیت‌های مختلف از آن‌ها استفاده کند. ایجاد این موقعیت‌های متنوع آموزشی باعث افزایش انگیزه دانش‌آموزان می‌شود، چراکه آن‌ها شاهد توانایی خود در به‌کارگیری زبان عربی هستند. مثلاً در محیط‌هایی مانند رستوران، مطب پزشکی یا سینما به‌راحتی می‌توانند منظور خود را منتقل کنند و ارتباط برقرار نمایند. بر همین اساس، پژوهشی با هدف بررسی میزان هوش فرهنگی دبیران انجام شد. در این تحقیق، هوش فرهنگی به سه طبقه تقسیم گردید و میزان هوش فرهنگی دبیران بر اساس این طبقات مشخص شد. تحلیل داده‌ها که با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد، نشان داد میانگین هوش فرهنگی معلمان عربی مورد مطالعه ۹۶.۲۲ است. از میان پاسخ‌دهندگان، بیش از ۵۰ درصد دارای هوش فرهنگی متوسط و ۴۷.۲ درصد از آن‌ها دارای هوش فرهنگی بالا بودند. بر اساس این نتایج، می‌توان گفت که اکثریت دبیران

مورد مطالعه صاحب سطح بالایی از هوش فرهنگی هستند.

در بررسی هوش فرهنگی دبیران درس عربی، مشخص شد که عامل‌های سازگاری فرهنگی و دانش کلامی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. دیگر متغیرها شامل شناخت فرهنگی، دانش فرهنگی و تعاملات اجتماعی تقریباً به‌طور یکسان در شکل‌گیری هوش فرهنگی دبیران نقش دارند. به همین دلیل، از میان ابعاد هوش فرهنگی، عامل‌های سازگاری فرهنگی و دانش کلامی دارای میانگین بیشتری هستند. همچنین، مقایسه میانگین هر یک از عامل‌ها با میانگین نظری آن‌ها نشان می‌دهد که میانگین پاسخگویان در هر یک از این سطوح بالاتر از میانگین نظری است. این امر دلالت بر این دارد که میانگین سازگاری فرهنگی، شناخت فرهنگی، دانش کلامی، تعاملات اجتماعی و دانش فرهنگی پاسخگویان بالاتر از سطح مورد انتظار است. پژوهش حاضر نتایج پژوهش اسلامی (۱۳۹۹) را که در بخش پیشینه معرفی شده را تأیید کرده است.

منابع و مصادر

قرآن کریم

الف) کتاب

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، (هـ — ش ۱۴۰۳)، *عربی زبان قرآن*. چاپ ۱۲، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

ملک افضلی، محسن. (۱۳۹۱). *مختصر حقوق اساسی آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: دفتر نشر معارف.

ب) مجلات

اسلامی فرانک، (۱۳۹۹). «هوش فرهنگی مدرسان آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان و متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی آن»، *نشریه پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. سال نهم. صص ۲۰۱-۲۲۳.

خدادادیان، مهدی. ابطحی، سید مهدی. (۱۳۹۵). «هوش فرهنگی و یادگیری مهارت‌های زبان فارسی در فارسی‌آموزان غیر ایرانی». *نشریه پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. سال ۵. شماره ۲ صص ۱۲۳-۱۴۲.

داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی زبان؛ فرهنگ زبانی و مؤلفه‌های آن»، *مجله تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۲، شماره ۵ صص ۹۹-۱۲۰.

طولابی، زینب و علیرضا خیری و سعید صمدی (۱۳۹۴). «رابطه بین هوش فرهنگی و تعاملات اجتماعی در دانشجویان». *مجله روانشناسی*، ۷۵، صص ۲۸۶-۲۹۶.

فائز، قاسم و حیدری مزرعه آخوند، محمدعلی. (۱۳۹۴)، «فرهنگ زبانی عرب و نقش آن در ترجمه قرآن کریم»، *فصلنامه علمی، پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه الزهرا س سال ۱۲، پیاپی ۲۷ صص ۱۰۳-۱۳۰.

نائیجی محمدجواد و عباس علیزاده، منصور (۱۳۸۶) *هوش فرهنگی؛ سازگاری با ناهمگون‌ها*، تدبیر صص ۲۰-۲۲، شماره ۱۸۱.

یعقوبی، محمد و عبدی، احمد. (۱۴۰۱)، «چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران»، *دوفصلنامه پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب*، دوره چهارم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۱. صص ۱۸۹-۱۹۹.

Alon, L. & Higgins, J. M. (٢٠٠٥). Global Leadership Success through Emotional and Cultural Intelligence, *Business Horizons*, ٤٨: ٥٠١-٥١٢.

Ang, S. & Van Dyne, L. (٢٠٠٩). *Handbook of Cultural Intelligence: Theory Management and Application*. ME Sharpe.

Byram, M., Gribkova, B., & Starkey, H. (١٩٩٧) *Developing the Intercultural Dimension in Language Teaching: A Practical Introduction for Teachers: Multilingual Matters*.

Earley, P. C., & Ang, S. (٢٠٠٣). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.

Ryan, P.M., & Sercu, L. (٢٠٠٣). Foreign language teachers and their role as mediators of Language and culture: A study in Mexico. *Estudios de Linguistica Aplicada*, ٢١(٣٧), ٩٩-١١٨.

Thomas, C. David. (٢٠٠٦). Domain and Development of Cultural Intelligence, The Importance of Mindfulness. *Group & Organization Management*, ٣١(١): ٧٨-٩٩

Triandis, H. C. (٢٠٠٦). Cultural Intelligence in Organizations. *Group and Organization Management*, ٣١(١): ٢٠-٢٦.